

عامل اصلی مهاجرت

عباس عبدي

در یادداشت شنبه درباره وعده جذب سرمایه‌گذاری آقای ریسی نزد ایرانیان خارج از کشور نوشتم و توضیح دادم که مقدمه لازم آن انجام اقداماتی است که سرمایه‌های موجود و کنونی از کشور خارج نشود و شاهد بر وجود خروج سرمایه از کشور را قیمت‌گیر واقعی ارز دانستم. با قیمت موجود ارز، تولید ناخالص داخلی ایران از رقم حدود 500 تا 600 میلیارد دلار در سال به حدود 200 میلیارد کاهش یافته و این قطعاً نادرست است. تازه، این گزارش بانک جهانی بر حسب دلار 22 هزار تومان محاسبه شده است، اگر با دلار 27 هزار تومان محاسبه شود، معادل 20 درصد دیگر نیز کمتر خواهد شد! در این یادداشت وارد موضوع دوم و مهم‌تر دیگر، یعنی خروج نیروی انسانی می‌شویم. بسیاری از نیروهای کارشناسی کشور که سرمایه‌های زیادی برای تربیت آنان هزینه شده است، به راحتی جذب اقتصاد کشورهای دیگر می‌شوند. چندی پیش با مدیر یکی از استارت‌آپ‌های مشهور کشور صحبت می‌کردم، به‌رغم اینکه پرداخت حقوق و دستمزدهای آن شرکت به نسبت قابل توجه بود، ولی می‌گفت که سالانه تا حدود 30 درصد نیروهایش را به دلیل مهاجرت از کشور از دست می‌دهد. پرسیدم که آیا خودشان دنبال مهاجرت در کشور دیگر هستند؟ گفت لزوماً خیر، بلکه خیلی راحت در حالی که مشغول کار هستند، يك ایمیل دریافت می‌کنند که شغلی را در فلان کشور با امتیازات مشخص و انجام همه امور مرتبط با حرفه او پیشنهاد می‌کنند. این شناسایی‌ها را از طریق دوستان و همکارانی که قبلاً رفته‌اند، یا از طریق «لینک‌دین» و سایت‌های مشابه، پیدا می‌کنند. هنگامی که فرد مواجه با این پیشنهاد می‌شود به ارقام حقوق پیشنهادی و نیز شرایط اجتماعی و سیاسی مبدا و مقصد که نگاه می‌کند، به راحتی پیشنهاد را می‌پذیرد. شاید تاکنون مواجه با این موارد نشده‌اید، ولی واقعیت این است که اگر نیروی را بپسندند، تمام هزینه انتقال حتی بردن اثاث منزل را به بهترین شکل تقبل می‌کنند. نکته مهم‌تر اینکه مدیر آن استارت‌آپ توضیح داد که تعدادی هم که نمی‌روند به دلیل رضایت از اینجا نیست، بلکه محدودیت‌های خانوادگی یا تعلقات دیگری دارند که از این پیشنهادها استقبال نمی‌کنند. کافی است که دستمزدها و شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران را با کشور پیشنهاددهنده مقایسه کنیم تا با منطق این رفتار همدلی

کنیم.

برای بسیاری از این افراد حداکثر حقوقی که در ایران به دست می‌آورند زیر هزار دلار است (البته این رقم بالایی است) ولی در آنجا تا 4 یا 5 هزار دلار هم پیشنهاد می‌شود. همان‌طور که گفته شد گام اول برای ورود سرمایه خارجی، حفظ سرمایه داخلی است. هم سرمایه مادی و از آن مهم‌تر سرمایه انسانی. اگر دولت ایران نتواند شرایطی را ایجاد کند که نیروی انسانی تحصیل‌کرده آن در داخل کشور حفظ شود، چگونه می‌خواهد که گامی به سوی توسعه و پیشرفت بردارد؟

جمعیت ایرانیان مهاجر در 3 سال گذشته بیش از دو برابر شده است. نکته مهم اینکه 30 درصد آنان را متخصصان تشکیل می‌دهند. بقیه نیز کمابیش افراد حرفه‌ای هستند و کارکنان مشاغل ساده فقط حدود 7 درصد کل مهاجران ایرانی را تشکیل می‌دهد. بالای 50 درصد آنان که به اروپا رفته‌اند، دارای تحصیلات دانشگاهی هستند، 60 درصد ایرانیان حاضر در آمریکا در مشاغل خوب از جمله در مشاغل مدیریتی، کسب و کار و علوم و هنر فعال هستند. درباره نظر سنجی‌ها و گرایش افراد به مهاجرت از کشور هم بهتر است فعلاً چیزی نگویم.

در هر حال در کنار اقدامات برای ورود سرمایه و جلوگیری از خروج آن باید کوشید که مانع مهاجرت و خروج نیروی انسانی متخصص شد. توسعه و پیشرفت بدون وجود و مشارکت چنین نیرویی ممکن نیست. عوامل خروج آنان فقط پایین بودن دستمزد نیست، بلکه احساس بی‌توجهی به آنان بیش از هر چیز دیگری عذاب‌دهنده است. می‌توانیم مدیران اصلی کشور را در قوای حکومتی در سطح معاون وزیر و بالاتر لیست کنیم، بعد ببینیم که چند درصد جوانان و کارآفرینان و متخصصان این کشور با آنان احساس مشترک دارند و آنان را نمایندگان واقعی خود می‌دانند. به نظر من کمتر از ده درصد. تا هنگامی که این شکاف حل نشود، مشکل فرار سرمایه مالی و مهاجرت نیروی انسانی نیز حل نخواهد شد.